

## تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب دموکرات و اجتماعیون اعتدالیون در مجلس دوم شورای ملی ایران مطالعه موردی: کشمکش خلع سلاح مجاهدین (پارک اتابک)<sup>1</sup>

زهراء توکلی<sup>\*1</sup>، مریم شیپری<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت: 92/4/21، تاریخ پذیرش: 93/4/25)

### چکیده

در مقاله حاضر بعد تصمیم‌گیری مشارکتی در مشروطیت ازلحاظ نوع کنش و روابط، مورد توجه قرار گرفته است. براساس این، پژوهش بر احزاب مجلس دوم متمرکز شده است که حتی در نخستین گام تصمیم‌گیری، یعنی «حل اختلاف» به‌سوی مذاکرات سازنده پیش نمی‌رفتند. از این‌رو، «کشمکش خلع سلاح مجاهدین» یا «پارک اتابک» انتخاب و این مسئله مطرح شده که چگونه و با چه شیوه‌هایی طرفین در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به‌گونه‌ای که منازعه‌ای کلامی و قانونی به درگیری‌ای نظامی تبدیل شد. در جست‌وجوی پاسخ، در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری، منابع تاریخی مرتبط براساس مدل پلکان منافع/ حقوق/ قدرت فیشر و بنابر «روش تحلیل فازی» بازنخوانی شده است. پس از کدگذاری منابع تاریخی و تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی، «عاملان

\*tavallali.z@gmail.com

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان

متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» مشخص شد که طرفین به تدریج از پنج نوع شیوه، شامل  $0/4$ ,  $0/6$ ,  $0/9$  و  $1$  فرایند به شدت هزینه‌بر استفاده کردند. چند ضعف اساسی تصمیم‌گیری مانند فقدان نگاه کل‌گرا و اطلاعات کافی، نبود راه حل‌های جای‌گزین و منصفانه، و اعتماد نابجا به این فاجعه منجر شد.

**واژه‌های کلیدی:** پارک اتابک، روش تحلیل فازی، چارلز راگین، رشتۀ حل اختلاف،

جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری.

## ۱. مقدمه

نهضت مشروطه نقطه عطفی است که مرز ایران قدیم و جدید به شمار می‌آید. در نهضت مشروطه مردم و نخبگان در تقابل با نظام تصمیم‌گیری استبدادی پیشین، خواهان روابط و نظام تصمیم‌گیری مشارکتی<sup>۲</sup> و شورایی شدند. براساس این، نهادها و برساخته‌های ذهنی و عینی نوی مانند مجلس، قانون مدرن و حزب به وجود آمد؛ اما آن‌ها چندان ماهیت روابط و سبک کنشی مشروطه (مشورت و مشارکت) را نیافتند؛ چنان‌که احزاب حتی در گام نخست تصمیم‌گیری مشارکتی، یعنی «حل اختلاف» دچار مشکل می‌شدند و در عمل، نه تنها به سوی مذاکره‌های سازنده پیش نمی‌رفتند؛ بلکه بیش از پیش نیز فضا را ملتهب می‌کردند. این امر به‌ویژه در مجلس ملی دوم به عنوان نخستین تجربه تحزب بسیار برجسته بود. دو حزب اصلی این دوره «دموکرات» و «اجتماعیون اعتدالیون» بودند که در اکثر حوزه‌ها، از جمله مرآت‌نامه، تصویب قانون، مقابله با دولت و... در تضاد با یکدیگر عمل می‌کردند.

[این] احزاب به جای بالا بردن میزان مشارکت مردمی در سیاست، مشغول زد و خورد با رقبای خود بودند و کارشان از زد و خورد به ترور و تکفیر متهمی شد و نه تنها فضای منازعات سیاسی را آشتبازی پذیر جلوه ندادند، بلکه خود تبدیل به عاملی برای ستیز در جامعه شدند (سالمی قمصری، ۱۳۸۶: ۴۰ - ۳۹).

اکنون این مسئله مطرح می‌شود که این احزاب چگونه به اختلاف‌ها واکنش نشان می‌دادند. که این‌چنین، به عامل ستیز تبدیل می‌شدند و از تحقق مشروطیت جلوگیری می‌کردند. اندیشمندان به این مسئله اغلب، از موضع مذمت و نقدهای کلی و غیرعلمی پرداخته‌اند؛

در حالی که این کشمکش‌ها را می‌توان به صورتی علمی و سازمان یافته براساس مدل‌ها و نظریات رشتۀ حل اختلاف<sup>3</sup> مطالعه کرد؛ زیرا این رشتۀ علمی سال‌هاست که در تمام سطوح از روابط بین شخصی تا روابط درون دولت و بین‌المللی به موضوع کشمکش می‌پردازد (Furlong, 2005). همچنین، در آن از رشتۀ‌های متنوعی، از جمله روان‌شناسی، دیپلماسی، علوم اجتماعی، حقوق و حوزه مدیریت نزاع/ حل اختلاف استفاده می‌شود (Burgess, 1997). در این چارچوب:

حل اختلاف به حالتی اطلاق می‌شود که منابع ریشه‌دار کشمکش هدایت و حل می‌شوند؛ به گونه‌ای که رفتارها و نگرش‌ها دیگر خشونت‌بار نیست و ساختار کشمکش تغییر کرده است. این اصطلاح هم به فرایند رسیدن به این تغییرات و هم به تکمیل فرایند حل اختلاف اشاره می‌کند (Miall, Ramsbotham & Woodhouse, 2005: 25).

بنابراین، در این رشتۀ مدل‌های متنوعی برای شناخت علل و قوع کشمکش، طراحی و ارزیابی راهبردهای حل اختلاف مطرح می‌شود. هرچند این پژوهش فقط بر فرایند حل اختلاف دو حزب نامبرده متمرکز است و برای گریز از نقدهای کلی نیز سعی می‌شود یک مورد برجسته از کشمکش بین آنان - واقعه پارک اتابک - براساس مفاهیم یکی از مدل‌های حل اختلاف مطالعه و بازخوانی شود.

در «واقعه پارک اتابک»، قوای دولتی بهنام اجرای «قانون ترک اسلحه» با تمام نیروی نظامی خود، سردار و سalar ملی، و مجاهدین پناهنده به آنان را محاصره کردند و چنان جنگیدند که گویی قوای بیگانه را می‌کوبند؛ درنتیجه بسیاری از مجاهدینی که پایتخت استبداد را به کام مشروطه خواهان فتح کرده بودند، به سخت‌ترین و ناشایسته‌ترین روزگار دچار شدند. گویی بر فاتحان مشروطه خلعت دریوزگی مستبدین پوشاندند. درواقع، چرخش نایجایی رخ داد و درنهایت، سرکوب مجاهدین و نیروهای بالراده‌ای مانند سرداران ملی، فضای را برای جولان قدرت‌های بیگانه هموار کرد. این شرایط قدم‌به‌قدم به اولتیماتوم روس و انحصار جابرانه مجلس دوم منجر شد. این واقعه کلیدی و محوری ناگهان و بلافاصله پس از تصویب اجرای قانون رخ نداد؛ بلکه با مذاکره‌ای قانونی آغاز شد و با تحریف قانون و شکست ائتلاف اعتدالیون ادامه یافت. در این میان، طرف‌هایی برای حل قانونی مسئله کوشیدند؛ اما کینه خواهی

در بستر قانون غیرمنصفانه و فضای هیجانی بر شرایط تسلط یافت. از این‌رو، گام‌های متزلزل پیشین فقط توانست گام‌های قدرت و اسلحه را استوار کند.

بنابراین، این مسئله مطرح می‌شود که چگونه طرفین این کشمکش در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به‌طوری که منازعه‌ای کلامی و قانونی به درگیری‌ای نظامی تبدیل شد. به بیان دیگر، در این کشمکش احزاب یادشده چه ترکیبی از شیوه‌های حل اختلاف را به کار گرفتند؟ در جست‌وجوی پاسخ این پرسش سعی می‌شود براساس مدل پلکان منافع/حقوق/قدرت فیشر و اوری<sup>۴</sup> و بنابر روش تحلیل فازی، شیوه‌های حل اختلاف طرفین کشمکش مطالعه و بازخوانی شود.

چنین پژوهشی می‌تواند گامی نو به‌سوی تکمیل تاریخ‌نگاری مشروطه بردارد. درواقع، هرچند حوزه مشروطه مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده و هست، هنوز کشمکش‌های احزاب مشروطه به صورت خاص و سازمان‌یافته و برگنای نظریاتی دقیق مطالعه نشده است. اغلب، تاریخ‌نگاران بدون نظریه‌های بین‌رشته‌ای به تاریخ مشروطه پرداخته‌اند. در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی - سیاسی نیز تجربه تحزب در دوره خاصی مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است؛ چنان‌که این امر در دو اثر برجسته: پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت از منصوره اتحادیه (1361) و علل ناپایداری احزاب در ایران از حسین تبریزی‌نا (1371) مشهود است. از این‌رو، در مطالعه موردي حاضر سعی می‌شود یک مورد خاص در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و روش تحلیل فازی و براساس یک مدل حل اختلاف مطالعه شود. در ادامه، چارچوب نظری و روش خاص این پژوهش تشریح می‌شود.

## 2. چارچوب نظری پژوهش

در حوزه حل اختلاف، نظریات و مدل‌های گوناگون برای تشخیص و ارزیابی نوع کشمکش عرضه شده است. در این میان می‌توان به مدل چرخه کشمکش کریستوفر مور<sup>5</sup> و مدل ابعاد برنارد مایر<sup>6</sup> اشاره کرد (Furlong, 2005). این مدل‌ها هرچند بسیار روشنگرند، مسئله این پژوهش به تشخیص شیوه‌های حل اختلاف مربوط می‌شود؛ از این‌رو مدل منافع/حقوق/قدرت فیشر انتخاب شده است. این مدل بیشتر به فرایندهای متفاوتی می‌پردازد که مردم در

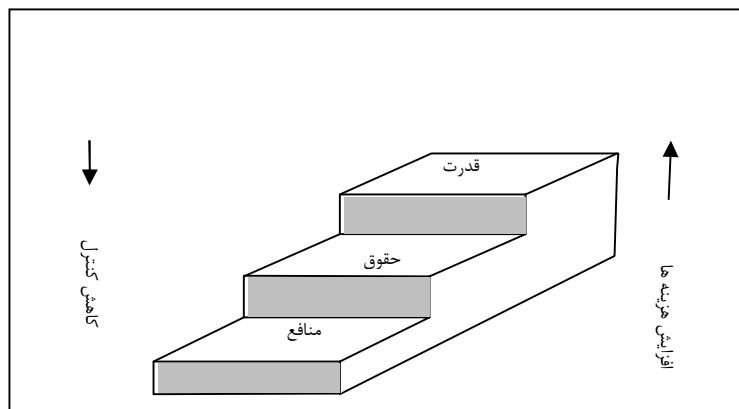
برخورد با کشمکش به کار می‌برند. براساس این، تمام رویکردها به کشمکش در قالب این سه نوع فرایند طبقه‌بندی می‌شوند: منفعت - بنیان،<sup>7</sup> حقوق - بنیان<sup>8</sup> و قدرت - بنیان<sup>9</sup> (Ibid, 22). در ادامه، این سه مفهوم محوری معرفی شده است:

**فرایندهای منفعت - بنیان:** در این رویکرد بر مبنای وفاق و همکاری راه حلی جست‌وجو می‌شود که به اندازه کافی منافع طرفین را تأمین کند. نوع پیامد برنده/ برنده است. اکثر انواع مذکوره، میانجی‌گری، حل مسئله مشترک، چانه‌زنی دستاوردهای مقابله و بارش افکار نمونه‌هایی از فرایندهای منفعت - بنیان به شمار می‌آیند (Ibid, 110).

**فرایندهای حقوق - بنیان:** این رویکرد مربوط به موقعیتی است که طرفین حقوق خود را بر دیگری ترجیح می‌دهند و بر مبنای رقابت برای ترفیع حقوق خود، برای به حداقل رساندن و نامشروع کردن حقوق دیگری کوشش می‌کنند. حقوق از منابع بسیاری، مانند قوانین، میاثق‌ها، رسوم گذشته، سیاست‌ها و قراردادها ریشه می‌گیرد. در این فرایندها نوع پیامد، برنده/ بازنده است. نمونه‌های فرایند حقوق - بنیان را در مواردی، از جمله دعوى، حکمیت، قضاؤت، تصمیم متکی بر دادگاه، ارزیابی بی طرفانه، بعضی انواع مذکره و تفحص رسمی می‌توان یافت (Ibid).

**فرایندهای قدرت - بنیان:** این فرایندها معمولاً در حد بالایی خصم‌مانه (رقابتی) هستند و گاهی با وجود حقوق طرف‌ها، این فرایند اعمال می‌شود. حتی طرفین تمام منابع در اختیار خود را برای بُرد وارد می‌کنند. نوع پیامد، بازنده/ بازنده (هرچند گاهی برنده/ بازنده) است. تهدید، زور (نیروی) فیزیکی یا خشونت، اعتصاب‌ها، تصمیم‌گیری یک‌جانبه، بعضی انواع مذکره، «خودیاری» و رأی‌گیری (رأی‌دهی) نمونه‌هایی از فرایندهای قدرت - بنیان هستند. دو فرایند آخر به واسطه تأثیر منابع قدرت و ماهیت رقابتی، در مواردی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. چنان‌که در عمل، اغلب چارچوب‌های حقوق - بنیان به یک طرف در یک موقعیت قدرت می‌بخشند. برای مثال، بسیاری از مراجع قانونی می‌توانند قوانینی را تنظیم کنند که براساس آن، به نفع خود از قدرت و نیروهای فیزیکی استفاده کنند (Ibid, 110- 112).

در کل، مدل پلکان ساده‌ترین صورت از مدل منافع / حقوق / قدرت است. با این معنا که هنگام حرکت طرفین از پلکان فرایندهای مذکور، دو امر رخ می‌دهد: هزینه‌های کشمکش افزایش می‌یابد یا کنترل کاهش می‌یابد (Ibid, 111- 112). این امور در شکل شماره یک ترسیم شده است.



شکل 1 مدل پلکان منافع/ حقوق/ قدرت فیشر

(Source: Furlong, 2005: 29)

بنابراین، در پژوهش حاضر کوشش شده است براساس این سه مفهوم محوری، منابع و اسناد تاریخی درمورد کشمکش خلع سلاح مجاهدین بازخوانی شود. همچنین، به منظور سازمان یافتنگی مطالعه، از روش تحلیل فازی استفاده شده است. در ادامه، به معرفی اصول روش تحلیل فازی پرداخته می‌شود.

### 3. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری است؛ راهبردی که اسکاچپول چنین ویژگی‌هایی را برای آن بر شمرده است:

جدول 1 ویژگی‌های راهبرد جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری

راهبرد: کاربرد مفاهیم برای تفسیر تاریخ برای دست‌یابی به تاریخ اجتماعی معنادار
سؤال: بیشتر از چراخی بر چیستی تأکید می‌شود.
توجه: توصیف موارد خاص با پیچیدگی بسیار زیاد / جهت‌گیری، نیات و مقاصد فرهنگی بازیگران فردی یا گروهی / زمینه‌های فرهنگی و نهادی اعمال آنها
تعمیم: پرهیز از تعیین جهان‌شمول / علاقه‌مند به تبیین‌های شامل بیش از یک مورد واحد نیستند / شکاک به آزمون تعیین‌های علی درباره ساختارها و الگوهای تغییر بزرگ‌دامنه و کلان
تقد: سهل‌انگاری در بحث و استدلال‌های تبیینی «معتبر» در حالی که در این راهبرد روایت‌های توصیفی به طور ضمنی بر روابط علی دلالت دارد.

(منبع: اسکاچپول، 1388)

اغلب، چنین تحقیقاتی از این نظر نقد می‌شوند که آن‌ها را استعاره بیش از نظریه هدایت می‌کند. استعاره نیز به جزئیات و تفرد یک مورد واحد توجه می‌کند و به نظریه آزمون‌پذیر منتهی نمی‌شود (همان‌جا). از این‌رو، در این پژوهش کوشش شده است مفاهیم برمبنای یک مدل نظری دقیق صورت‌بندی شود؛ همچنین واقعه مورد نظر به صورت سازمان‌یافته و روشن بنابر روش تحلیل فازی بازخوانی شود؛ روشی که نتایج آن با گسترش موارد می‌تواند در مطالعات میان‌موردی نیز به کار رود. به بیان دیگر، این روش تفاسیر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری را در خدمت جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی نیز قرار می‌دهد.

روش تحلیل فازی یکی از کاربردهای روش تحلیل تطبیقی کیفی فازی (FsQCA) است.

این روش نیز در چارچوب روش‌شناسی تنوع محور<sup>10</sup> یا تحلیل تطبیقی کیفی (QCA) چارلز راگین<sup>11</sup> تعریف می‌شود. این روش ظرفیت‌های ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که راگین ادعا می‌کند این روش‌شناسی راهی میانه بین دو روش‌شناسی پیشین است و به‌گونه‌ای پرداخته شده که «از بعضی محدودیت‌های پژوهش کیفی و کمی متعارف فراتر می‌رود» (Ragin, 2000 & 2008). همچنین، روش راگین با روش‌های ترکیبی تفاوت دارد. روش‌های ترکیبی معمولاً یک روش را به نفع روش دیگر تقلیل، و روش‌های کمی و کیفی را سازش می‌دهند. در مقابل، راگین راهی میانه برای سنتز ویژگی‌های نقیض این دو روش عرضه می‌کند.

در واقع، اگر کلید روش‌شناسی کیفی را عمق و پیچیدگی، و کلید روش‌شناسی کمی را وسعت و تعمیم درنظر بگیریم، راگین تنوع را به عنوان سنتز آن دو خصیصه و کلید روش‌شناسی خود معرفی می‌کند. در تنوع، پدیده‌ها و مفاهیم به عنوان گونه و نوع درنظر گرفته می‌شوند. هر نوع به یک پیکربندی یا هیئتی<sup>12</sup> از بعد اشاره می‌کند. براساس این، مفاهیم در قالب انواعی عام فرض می‌شوند. در حالی که در کلیت هر مورد، ابعاد گوناگون آن مفهوم عام به صورت‌هایی ویژه و با پیچیدگی خاصی ترکیب می‌شوند و بر این مبنای موارد و جمعیت‌ها از یکدیگر تفکیک می‌شوند. بنابراین، تنوع در میان راهی بین مطالعه‌الگوهای عام میان تمام موارد از سویی و توجه به موارد خاص از سویی دیگر قرار می‌گیرد (Ragin, 2000). همچنین، روش‌شناسی راگین ابزارهای متفاوتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که در زمینه‌های اکتشاف، خلاصه‌سازی داده‌ها، آزمون فرضیات و حتی نظریه‌پردازی به کار می‌رود (Rihoux & Ragin, 2009).

حال، پژوهش حاضر براساس رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و نوع سؤال خود از ابزارهای اکتشاف این روش بهره می‌برد. در این حالت، داده‌های کیفی و منابع تاریخی بر مبنای رویکرد پیکربندی و دیدگاهی کل گرا<sup>۱۳</sup> در قالب مجموعه‌هایی فازی مطالعه می‌شود. در جدول شماره دو خلاصه‌ای از اصول رویکرد پیکربندی را گین آمده است.

### جدول ۲ اصول رویکرد پیکربندی

بر مبنای دیدگاه کل گرا	اصول رویکرد پیکربندی
هر مفهوم و موردی یک پیکربندی واحد است.	
فهم و تعریف هر بخش و بعد از یک مورد، در ربط با یکدیگر و در بستر کلیت آن مورد.	
فرض: تغییر در یک بعد مهم از یک مورد به صورت بالقوه ویژگی‌های آن مورد را به عنوان یک کلیت دگرگون می‌کند.	

(Source: Ragin, 2000)

به لحاظ منطقی نیز، QCA برخلاف جبر خطی حاکم بر روش‌های آماری، براساس جبر بولی،<sup>۱۴</sup> جبر مجموعه‌ها صورت‌بندی می‌شود. این جبر براساس تحلیل مبتنی بر نظریه مجموعه<sup>۱۵</sup> به کار می‌رود. در این حالت، مقوله‌های اجتماعی در قالب مجموعه‌هایی واضح<sup>۱۶</sup> و موارد براساس داده‌های دوتایی - کدشده مطالعه می‌شود که در آن ۱ به عضویت و ۰ به عدم عضویت اشاره می‌کند. با این حال، راگین (2000) در روش FsQCA این مجموعه‌ها را بر مبنای منطق فازی بسط می‌دهد. در مجموعه‌های فازی،<sup>۱۷</sup> نمره‌های عضویت جزوی بین ۰ تا ۱ جست‌وجو می‌شود و بنابر تعداد آن‌ها، مجموعه‌های فازی سه‌مقداری، چهار‌مقداری، پنج‌مقداری یا شش‌مقداری و... تعریف می‌شود. در این میان، مجموعه فازی سه‌مقداری ساده‌ترین حالت است که در آن بین نقاط ۰ و ۱ یک نقطه هم‌گذر (نقطه متقاطع)<sup>۱۸</sup> برابر با ۰/۵ وجود دارد. در این نقطه، حداقل ابهام حاکم است و معلوم نیست که یک مورد بیشتر «درون» یک مجموعه یا بیشتر «بیرون» از آن است (Rihoux & Ragin, 2009).

درواقع، براساس منطق فازی، نگاه ۰ و ۱ به جهان رد می‌شود؛ چنان‌که از سوگیری‌های مفاهیم دوشقی پرهیز می‌شود و دیگر به‌سادگی نمی‌توان افراد را کاملاً خائن یا قهرمان نامید. از این‌رو، براساس منطق فازی، قضاوت بی‌طرفانه و پرهیز از برچسب‌زنی معمول تسهیل می‌شود؛ امری که اتحادیه به فقدان آن در تاریخ‌نگاری مشروطه اشاره کرده است: «انقلاب مشروطه تا امروز به صورت رویدادی ایدئال باقی مانده است و افرادی که با آن مربوط بودند، قهرمان یا خائن جلوه کرده‌اند و قضاوتی بی‌طرفانه هنوز در این موارد کمتر صورت گرفته است» (Rihoux & Ragin, 2009: 424).

ایده اساسی مجموعه‌های فازی مقیاس‌گذاری نمره‌های عضویت است. به این ترتیب که سه نقطه انقطاع ۰/۵ و ۱ و ۰/۰ درنظر گرفته می‌شود و عضویت‌های جزئی تعریف می‌شود. برای مثال، نمره‌های عضویت نزدیک به ۱ (مانند ۰/۸ یا ۰/۹) عضویت قوی، اما نه واقعاً کامل در یک مجموعه هستند. از سوی دیگر، نمره‌های کمتر از ۰/۵، اما بزرگ‌تر از ۰ (مانند ۰/۲ و ۰/۴) نشان می‌دهند که موضوعات مورد مطالعه بیش از آنکه درون مجموعه باشند، بیرون از مجموعه فازی مورد نظر هستند. درواقع، هنوز اعضای ضعیفی از یک مجموعه هستند.

به این نوع مقیاس‌گذاری درجه‌بندی <sup>۱۹</sup> گفته می‌شود.

راه میانه FsQCA اساساً بر مبنای درجه‌بندی متغیرها محقق می‌شود. درجه‌بندی به فرایند طبقه‌بندی موارد در قالب مجموعه‌ها اشاره می‌کند (Ragin & Rubinson, 2011). درجه‌بندی هم دقت رویکردهای کمی را نشان می‌دهد و هم مانند رویکردهای کیفی به دانش محتوایی تکیه می‌کند (Jackson, 2008). در این حالت، یک مجموعه فازی یک متغیر پیوسته است که در آن نقاط انقطاع کیفی براساس داشتن نظری، محتوایی و تجربی تعریف می‌شود. براساس این نقاط، تنوع مربوط و نامرتب موارد نسبت به مفهوم و مجموعه مورد نظر مشخص می‌شود (Ibid, 134- 135)، یعنی مقیاس‌گذاری در مجموعه‌های فازی متفاوت با متغیرهای فاصله‌ای یا نسبی است. در این حالت، سنجه‌هایی تعریف نمی‌شود که «جایگاه موارد را نسبت به یکدیگر» نشان دهد. درواقع، مجموعه‌های فازی براساس رده‌بندی پیش نمی‌رود؛ بلکه بر مبنای درجه‌بندی صورت‌بندی می‌شود (Ibid). در جدول زیر شیوه خاص درجه‌بندی در پژوهش‌های کیفی نشان داده شده است.

**جدول ۳ خصایص فرایند درجه‌بندی و مراحل درجه‌بندی داده‌های کیفی در پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های کیفی**

خصایص فرایند درجه‌بندی	مراحل درجه‌بندی داده‌های کیفی
این مسیر می‌تواند به هر دو صورت استقرایی و قیاسی پیش رود.	تعريف نقاط ۰ و ۱ برای مفاهیم اصلی براساس دانش نظری، تجربی و محتواهی پژوهشگر در حد الگوهای آرمانی
یک فرایند تفسیری و غیرمکانیکی	در این تعاریف، تمام ابعاد سازنده الگوی آرمانی مشخص می‌شود.
تحلیل مجموعه‌های فازی براساس دانش نظری و تجربی	تعريف نقطه هم‌گذر (0/5) در صورت تسلط کافی پژوهشگر بر حوزه مطالعه، دانش نظری و تاریخی مورد نظر
نموداری کیفی باز <sup>20</sup> مبنای تاریخی در جستجوی ابعاد سازنده مجموعه فازی مورد نظر ثابت نیست.	کدگذاری کیفی باز <sup>20</sup> مبنای تاریخی در جستجوی ابعاد سازنده مطالعه، دانش نظری و تاریخی مورد نظر
براساس یک یافته یا الگوی غیرعادی می‌توان در ارزیابی نمره‌های فازی تجدیدنظر کرد.	براساس یک یافته یا الگوی غیرعادی می‌توان در دانش نظری و تاریخی خود نمرهٔ عضویت فازی هر مورد را تخمین می‌زند. <sup>21</sup>

(Source: Ragin, 2000)

به این ترتیب، در این پژوهش ابتدا وقایع و شرایط حاکم بر دوران مشروطه مطالعه شده؛ سپس مجموعهٔ فازی مورد نظر براساس این دانش تاریخی و دانش نظری پیشین به صورتی دقیق‌تر درک و تعریف شده است. بنابراین، در این کشمکش مجموعهٔ فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف بهشت هزینه‌بر» به عنوان مفهوم محوری برساخته شده است. این مجموعه براساس رویکرد پیکربندی تدوین شده است؛ براساس این مفروض که هیچ‌یک از فرایندها به صورت کامل و یکدست محقق نمی‌شود و همواره کنشگران براساس ترکیبی از فرایندها به اختلاف واکنش نشان می‌دهند. در این مجموعه چهار بعد مورد توجه قرار می‌گیرد: نوع فرایند و روش واکنش به اختلاف، حدودی که خصایص هر فرایند رعایت نشده، حدود کنترل طرفین بر کشمکش و فرایند مورد نظر و حدود هزینه‌ای که بر طرفین کشمکش و جامعه مورد نظر وارد شده است. براساس این، در جدول شماره چهار الگوهای آرمانی نقاط ۰ و ۱ مجموعهٔ فازی مورد نظر مشخص شده است.

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

#### جدول 4 الگوهای آرمانی در نقاط 0 و 1 مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف بهشت هزینه‌بر»

نقطه 0 یا «کاملاً بیرون از شیوه‌های حل اختلاف بهشت هزینه‌بر»	الگوی آرمانی نقطه 1 یا «کاملاً درون شیوه‌های حل اختلاف بهشت هزینه‌بر» <sup>22</sup>
برمیانی همکاری و وفاق منافع دو طرف بهروشی درنظر گرفته می‌شود.	واکنش بهشت خصم‌انه طرفین به یکدیگر
کاربرد روش‌های منفعت-بنیان مانند مذاکره	کاربرد تمام منابع دراختیار برای بُرد
کترل کامل طرفین بر کشمکش و مراحل مذاکره	کمترین کترل طرفین بر ماهیت، جهت‌گیری، مراحل و پایامد کشمکش و عمل یکدیگر
هر دو بدون تحمل هزینه‌ای بر دیگری، به اندازه کافی به منافع خود دست می‌یابند.	تحمل بیشترین و متنوع‌ترین هزینه‌ها بر خود و کل جامعه پردازون

در این پژوهش نیز مجموعه فازی مورد نظر به صورت شش‌مقداری تخمین زده شده است.  
معنای لفظی نقاط این مجموعه در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود.

#### جدول 5 مجموعه فازی شش‌مقداری

برجسب‌های زبانی (لفظی)	1	0/9	0/6	0/4	0/1	0
نمراهای عضویت	عضویت کامل	«عملتاً اما نه کاملاً بیرون» <sup>23</sup>	«کم‌ویش درون»	«عملتاً اما نه کاملاً» کاملاً درون	«کم‌ویش بیرون»	علم عضویت کامل

(Source: Rihoux & Ragin, 2009: 424)

در عمل نیز مواردی که شرایط، نگرش و اعمال طرفین بهشت مسهم است، پژوهشگر می‌تواند نقطه هم‌گذر برابر با 0/5 را هم درنظر گیرد و مجموعه را به هفت‌مقداری تبدیل کند. براساس این، کشمکش خلع سلاح مجاهدین بازخوانی شده است.

#### 4. مطالعه و تحلیل فازی مراحل حل اختلاف در کشمکش خلع سلاح مجاهدین

پس از ترور آیت‌الله سید عبداله ببهانی، بازارها تعطیل شد، مردم به جوش و خروش آمدند و سوء‌ظن همگان بهسوی مجاهدین بهویژه دموکرات‌ها جلب شد. در مجلس، سردار اسعد و

اعتدالیون از هرج و مرج و نامنی‌های پس از قتل سیدعبدالله شکایت می‌کردند. در مقابل، شیخ رضا دهخوارقانی، از نمایندگان دموکرات، چنین ادعا می‌کرد: «این طور واقعی امنیت مملکت را متزلزل نمی‌کند برای اینکه خیلی بزرگ‌تر از این حادثات بزرگ واقع شد ابدآ امنیت مملکت را متزلزل نکرد [...]» (مذاکرات مجلس، ۱۶ رجب ۱۳۲۸). باوجود این، اعتدالیون و سردار اسعد اجرای قانون ترک اسلحه مجاهدین را به عنوان وظیفه اولیه کابینه مستوفی‌الممالک اعلام کردند. در ۲۸ رجب نیز سند اجرایی این قانون تنظیم و تصویب شد. در این قانون حقوق تمام مجاهدین ذی‌فعع و منافع برخی سران رعایت نشد و زمینه برای نارضایتی فراهم آمد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱). از این‌رو، فضای به تدریج به‌سوی خشونت پیش رفت.

درواقع، این تصمیم‌ها در شرایطی گرفته می‌شد که از یکسو، قتل سیدعبدالله به دموکرات‌ها (حیدرخان و تقی‌زاده) نسبت داده می‌شد و از سوی دیگر، گفته می‌شد که ترورهای علی‌محمدخان تربیت و سید عبدالرزاق توسط اعدالیون و برای انتقام خون بهبهانی صورت گرفته بود؛ درنتیجه اجرای این قانون در این بحبوحه خطرناک به نیروهای نظامی هر دو طرف ضرر می‌زد. بنابراین، بین اعضای دو حزب بر سر چگونگی اجرای قانون ترک اسلحه کشمکش رخ داد.

در عمل، در این کشمکش سه طرف اصلی وجود داشت: در یکسو، دموکرات‌ها با سردار اسعد، بختیاری‌ها و پیرم‌خان متحد شدند؛ در سوی دیگر، از اعتدالیون سردار محیی و ضرغام‌السلطنه برای حفظ خود با یکدیگر همراه شدند؛ سردار و سalar ملی ناخواسته، با وجهه و اعتباری برجسته اما اطلاعی محدود درگیر این کشمکش شدند. همچنین، این کشمکش در بستر مداخلات دولت‌های روس و انگلیس به وجود آمده بود؛ در شرایطی که رشت، منجیل، تبریز و قزوین تقریباً به‌نوعی در اشغال روسیه بود. این دو دولت به خصوص روس، از زمان تصویب تا اجرای این قانون، به‌بهانه نامنی، بر دولت ایران فشار می‌آوردند که مجاهدین پایتخت خلع سلاح شوند. با همین برنامه نیز سرداران ملی با اصرار روس‌ها به تهران فراخوانده شدند. همچنین، روس‌ها در پی مجاهدین قفقازی بودند که از خاک روس به ایران آمده و در صف مشروطه‌خواهان مجاهدت کرده بودند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱؛ امیرخیزی، ۲۵۳۶).

در کوتاه‌مدت، از پی اقدامات طرفین، دموکرات‌ها و سردار اسعد کم‌وپیش برنده میدان شدند؛ اما در نهایت با تزلزل نیروهای نظامی مدافع و مجاهد دربرابر قوای بیگانه، کل ایران به‌همراه همان نیروها بازنشده شد. با اینکه این کشمکش سنگ‌بنای بسیاری از وقایع و مسائل مجلس دوم مشروطه

بود، به تصریح اتحادیه، «خلع سلاح مجاهدین و مسئله‌ای که آفرید، به طور دقیق مورد بررسی قرار نگرفته، برخی از نویسنده‌گان این مسئله را توطئه‌ای علیه ستارخان تلقی کرده و برخی آن را اشتباه بزرگی محسوب داشته‌اند» (274:1361). از این‌رو، در این پژوهش سعی شده است به صورتی دقیق‌تر، روابط و مراحل واکنش به کشمکش و فرایندهای حل اختلاف طرفین مطالعه و بازخوانی شود. از این راه روشن می‌شود که در شیوه‌های حل اختلاف و تصمیم‌گیری طرفین چه ضعفی وجود داشت که زمینه پیشبرد اهداف بیگانگان را فراهم کرد.

#### 4-1. اولین مرحله واکنش به کشمکش

در 28 ربیع‌الثانی 1328 جلسه‌ای با حضور اعضای دولت، نماینده‌گان مجلس و هشت نفر از سران مجاهدین برای تصمیم‌گیری درمورد اجرای قانون ترک اسلحه تشکیل شد. در این جلسه، به طور رسمی نماینده‌ای از مجاهدین دموکرات حاضر نبود. باوجود این، سردار اسعد از اواخر دوران کابینه سپهبدار اعظم به دموکرات‌ها متمایل شده بود. از این‌رو، سردار اسعد همراه وکلای دموکرات طرف دموکرات مذاکره را تشکیل می‌دادند. درنهایت حاضران از راه مذاکره به توافق رسیدند. اجرای قانون نیز با پذیرش سوگندنامه‌ای تضمین شد که همگی با قسم به کلام الله آن را پذیرفتند. براساس این، سرداران برای حفظ منفعت ملی، استقلال و امنیت مملکت توافق کردند که از منافع شخصی پرهیزند و به دولت در اجرای صحیح قانون کمک کنند (امیر خیزی، 2536). آن سوگندنامه شامل مفاد زیر می‌شد:

1. عفو و اغماض از آنجه پیش از این در بین خودمان بوده و گذشته است. 2. مساعدت با دولت مشروطه و درصورت لزوم، در رفع مواد فساد و اطاعت از قوانین موضوعه مملکت. 3. تمکین از احکام دولتی در نوع اسلحه از دست کسانی که اجازه حمل اسلحه ندارند. 4. موافقت و یک‌جهتی فی مابین سرداران و رؤسای ملی [...] سپهبدار اعظم، صمصام‌السلطنه، سردار اسعد، باقر خان، سردار محبی، ضرغام‌السلطنه، سردار محتشم و ستارخان [سوگندنامه را امضا کردند]. (همان، 617).

براساس این قانون، دولت برای اعمال قانون توان و نظارت بسیاری می‌یافت. باوجود این، این توافق براساس یک معیار منسجم و منصفانه حاصل نشد؛ چون سران مجاهدین به حقوق تمام مجاهدین ذی‌نفع از جمله صاحبان اسلحه دولتی و مجاهدین فرقه‌ای نپرداختند:

برطبق قانون مذکور، مجاهدینی که از خود اسلحه داشتند، دولت مکلف بود پول اسلحه را به آن‌ها نقداً پردازد؛ ولی کسانی که تفنگ دولتی در دست داشتند، از دریافت قیمت آن محروم بودند. [چنین] مجاهدینی [...] می‌گفتند این تفنگ‌ها را ما در میدان جنگ از دشمن گرفته‌ایم و باید دولت پول آن را به ما بدهد؛ ولی دولت از پرداخت پول برای خرید اسلحه‌ای که متعلق به خودش می‌دانست امتناع داشت (ملکزاده، ۱۳۷۱: ۱۳۴۶).

نزدیک به سیصد نفر از این مجاهدین گرجی و قفقازی بودند و جرئت مراجعته به وطن خود را نداشتند و دولت روس نسبت به آن‌ها بی‌نهایت خشمگین بود و اگر به آن‌ها دست می‌یافتد، بی‌رحمانه آن‌ها را از میان می‌برد (همان: ۱۳۵۰).

همچنین، مجاهدین حقوق معوقه زیادی داشتند که دولت به علت مشکلات مالی نمی‌توانست آن‌ها پردازد و فقط می‌خواست با مبلغ ناچیزی آنان را مخصوص (خلع سلاح) کند. این امر با شرایط زندگی مجاهدین اصلاً هماهنگی نداشت و منصفانه نبود. درواقع، اعضای جلسه مذکور هیچ جای‌گزین<sup>۲۵</sup> رضایت‌بخشی برای زندگی نظامی مجاهدین تعریف نکردند. از این‌رو، چنین قانونی هزینه‌سنگینی بر زندگی مجاهدین وارد می‌کرد و موجب نارضایتی زیاد آنان می‌شد:

[مجاهدین] نزدیک دو سال بود کسب و کار خود را از دست داده و سرمایه خود را در راه مشروطیت فدا کرده بودند و سرمایه و وسیله برای کار نداشتند. به علاوه بزرگ‌ترین مصیبت [...] این بود که اعیان و ثروتمدان و ادارات دولتی و تجارت‌خانه‌ها و مؤسسات و اشخاص محظوظ همین که می‌فهمیدند این‌ها مجاهد بوده و با تفنگ و بمب سروکار داشته‌اند، برای کاری به آن‌ها رجوع نمی‌کردند و آن‌ها را همچون جذامی از خود می‌راندند (همان، ۱۳۴۶: ۱۳۴۶).

از سوی دیگر، سران مجاهدین قدرت و احترام مبتنی بر نیروهای مسلح خود را از دست داده بودند. درواقع، اکثر آنان با تکیه بر نیروهای مسلح خود به وجهه و جایگاه اجتماعی و سیاسی دست یافته بودند؛ از این‌رو به سادگی چنین هزینه‌ای را نمی‌پذیرفتند:

بعضی از رؤسای مجاهدین که ریاست و نفوذشان به واسطه عده‌ای مجاهد مسلح بود که گرد خود داشتند و هرگاه آن مجاهدین خلع سلاح می‌شدند، دیگر قدرت و نیرویی برایشان باقی نمی‌ماند مایل به خلع سلاح مجاهدین نبودند و آن‌ها را به پایداری و مقاومت تحریک می‌کردند (همان‌جا).

به علاوه، سوگند مجاهدین برای حفظ منفعت ملی بود؛ درحالی که اجرای قانون به نیروهایی واگذار شد که به سردار اسعد متمایل بودند. چنان‌که به نظر می‌رسید، برایند این راه حل بیشتر به

قدرت سردار اسعد می‌انجامید؛ بهویژه که جایگاه و سهمی از قدرت و نفوذ برای طرف‌های دیگر فرض نشده بود. بنابراین، تبعات اجرای این قانون برای سران اعتدالی (سردار محبی و ضرغام‌السلطنه) خطری جدی بود. البته، سردار و سalar ملی احترام و وجهه‌ای داشتند که صرفاً وابسته به نیروی مسلح ایشان نبود. از این‌رو، آنان بنابر منش خویش تا هنگامی که می‌توانستند، بر سوگند خود پای بند بودند.

به طور کلی، در این مرحله طرفین به دلیل رعایت نکردن خصایص مذاکره در یک دولت انقلابی، زمینه هزینه‌زایی را به وجود آوردند؛ هرچند هنوز به واسطه توافق مسئلان و عرف حاکم، ظرفیت کنترل بسیاری وجود داشت. در جدول شماره شش به صورت دقیق‌تر، ابعاد شیوه حل اختلاف این مرحله ترسیم و درنهایت نتیجه گرفته شده است که طرفین در نقطه ۰/۴ مجتمعه فازی مورد نظر عمل می‌کردند. به بیان دیگر، این مرحله کم‌ویش بیرون از فرایندهای به شدت هزینه‌بر حل اختلاف بود.

**جدول ۶ تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله اول واکنش به کشمکش خلع سلاح**

**مجاهدین**

حدود کنترل	حدود هزینه	حدود رعایت نکردن خصایص فرایند	۱ ۲ ۳ ۴ ۵	۱ ۲ ۳ ۴ ۵	۱ ۲ ۳ ۴ ۵	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
افزایش کنترل دولت بر اجرای قانون بر مبنای وفاق قانونی	تعیین نکردن جای گزین برای معیشت و زندگی نظامی مجاهدین و سران آنان	فقدان یک معیار منسجم و منصفانه در تنظیم مذاکرات و قانون				
وجود ظرفیت چانه‌زنی غیررسمی مجاهدین با کمک بزرگان	نارضایتی زیاد مجاهدین				۰/۴	۱
تسهیل کاهش فشار دولتهای روس و انگلیس	توزیع ناموزون، متمرکر و نابجای منابع قادرت	بی‌توجهی به حقوق و منافع تمام طرفین ذی‌نفع				

**تجمع مجاهدین در پارک اتابک:** در پی این توافق تزلزل پذیر و غیر منصفانه، مجاهدین از پذیرش قانون سرپیچی کردند. دسته‌های سردار محبی و ضرغام‌السلطنه و مجاهدین دیگری در پارک اتابک جمع شدند و با پناه به سردار ملی به قانون معرض شدند. در این میان، دو اقدام قدرت - بنیان توسط دولت دموکرات و دو سردار اعتدالی (سردار محبی و ضرغام‌السلطنه) انجام شد که اعتماد مجاهدین را خدشه دار کرد و در نتیجه آن، هیجان مضاعفی بر فضای تجمع مجاهدین حاکم شد. در واقع، هر عملی آستانه تحمل آنان را به حدی کاهش می‌داد که با کوچک‌ترین کلام و اقدامی، آمادگی واکنش‌های شدید هیجانی را داشتند. در زیر دو اقدام مذکور تشریح می‌شود:

#### 4-2. دومین مرحله واکنش به کشمکش (از سوی دموکرات‌ها)

توافق 28 رجب مسئولیت اجرای قانون را به دولت دموکرات واگذار کرد. در عمل، اجرای قانون به پیرم‌خان، رئیس نظمیه، و سردار بیهادر بختیاری واگذار شد. در این شرایط، نه تنها سردار اسعد قدرت خاصی می‌یافت؛ بلکه به دلیل سوگیری سران دولتی به سران اعتدالی، از اجرای منصفانه قانون جلوگیری می‌شد:

دولت نخواست این قانون را دادگرانه به کار بند و چون خود مستوفی رئیس‌الوزرا و بیشتر وزیران از دسته انقلابی بودند و [...] کینه چهار تن سردار را (ستارخان و باقرخان و ضرغام‌السلطنه و معزالسلطان) در دل داشتند. همچنین سردار اسعد که در همه کارها دست داشت، از این چهار تن سخت خشمناک بود. بهویژه از ستارخان که از بسی خشمناک بود زبان خود را نگه نمی‌توانست داشت. همچنین فرماننفرما از ستارخان دل آزردگی داشت، یفرم‌خان هم [...] که نیروی بزرگی را در دست داشت، او نیز با ستارخان و معزالسلطان از در دشمنی بود. این کینه‌ها نگذاشت قانون را دادگرانه روان گرداند (کسری، 2535: 134-136).

براساس توافق پیشین، سران پذیرفته بودند که موقعی، به این اشخاص قدرت اجرای قانون اعطای شود؛ اما نیروهای دولتی در نخستین گام با سوگیری از حق و قدرت در اختیار خویش، به نفع حزب هم‌پیمان خود بهره بردن. در واقع، آنان دسته مجاهدین دموکرات را به صورت صوری وارد سپاه دولتی کردند: «انقلابیان برآن شدند که بستگان خود را نگاه دارند [...]»

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

حیدرعمواوغی و دسته‌های او و دیگر هواداران انقلابیان را از یکسو تفنگ از دستشان گرفتند و از یکسو در شمار سپاهیان گرفته دوباره تفنگ دادند» (همان، 136).

این امر موجب استیصال و بی اعتمادی ستارخان و ناراضیتی و بی اعتمادی زیاد مجاهدین به قانون و مجریان آن شد. حتی برای مجاهدین بهانه‌ای واقعی برای گریز از قانون و تحويل اسلحه تبدیل شد (همان جا)؛ به گونه‌ای مجاهدین مذاکره با صاحب منصبان را نمی‌پذیرفتند: سردار ملی و سالار ملی با کمک شیخ اسماعیل هشت روی و معین الرعایا و معتمدالتجار سعی کردند تا مجاهدین را آرام سازند [...] حتی [...] وزیر پست و تلگراف و حاج سیدنصرالله اخوی که از طرف دولت و مجلس برای اقناع مجاهدین به پارک آمده بودند، اعتنایی نکردند و [...] به تبعیضی که دولت در اجرای قانون منع حمل اسلحه روا داشته و از گرفتن اسلحه هواداران پیرم خان و حیدرعمواوغی و سردار اسعد خودداری نموده بود اعتراض نمودند (مروارید، 1377: 246).

«چنین پیداست که دسته‌بندی یغم خان و سردار اسعد و حیدرخان عمواغلی و بیدادگری دولت که از این دسته تفنگ را نگرفت بر ستارخان و باقرخان ناگوار افتداده و در این هنگام ایشان را دودل ساخته بوده [...]» (کسری، 2535: 138).

«ستارخان و باقرخان نیز از این پیمان‌شکنی یاران قدیم و رقبای کنونی خود و رفتار دولت ناراضی بودند» (مروارید، 1377: 246).

بدین ترتیب، با این اقدام فضا بیش از پیش به سوی خون‌ریزی و جنگ سوق می‌یافت؛ زیرا دسته حیدرخان به اعتدالیون خصوصی فراتر از یک کینه قومی داشتند و ایشان را عاملان ترور علی‌محمدخان تربیت می‌دانستند و در پی موقعیتی تلافی جویانه بودند:

در سایه خون‌ریزی که رو داده و علی‌محمدخان کشته شده بود، دسته حیدرخان عمواغلی به این خرسنده نداشتند که دسته مجاهدان چهار تن را تنها از ابزار جنگ لخت کنند و [...] می‌کوشیدند کار به زد و خورد رسانیده، گزندی نیز به خود آنان برسانند (کسری، 2535: 136).

به طور کلی، در این اقدام نیروهای دولتی و دموکرات‌ها، فرایندهای حقوق و قدرت محور هم‌پوشانی یافتدند. از این‌رو، در جدول شماره هفت بنابر حدودی که فرایند حقوق محور رعایت

نشده، در کنار دیگر ابعاد مورد نظر روش شده است که آنان در نقطه **۰/۶** مجموعه فازی مورد نظر، کم‌ویش با یک فرایند به شدت هزینه‌بری به کشمکش واکنش نشان دادند.

**جدول ۷** تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله دوم واکنش به کشمکش خلع سلاح مجاهدین

حدود کنترل	حدود هزینه	حدود رعایت نکردن خصایص فرایند اصلی	فرایندهای حل اختلاف	روش	بُعد همه‌جایی	بُعد جهانی	بُعد جهانی
کاهش کنترل قانونی بر نیروهای دولتی به واسطه تسلط کینه‌جویی و تلافی جویی بر نیروها	ضرر جدی به توافقات قانونی پیشین اعتماد میان طرفین	علم پای‌بندی به توافقات قانونی پیشین - تصمیم‌گیری یک‌جانبه در چارچوب قانون	کم‌ویش بیرون از فرایندهای حقوق - بنیان	سوءاستفاده از اقتدار قانونی یا خودیاری	۰/۶	۲	۴
کاهش کنترل بر مجاهدین به واسطه تشدید فضای هیجانی	هدایت بیشتر کشمکش به سوی تخاصم	اجرای غیرمنصفانه قانون	کم‌ویش درون فرایندهای قدرت - بنیان				

### ۴-۳. سومین واکنش به کشمکش (از سوی اعتدالیون)

از میان سران اعتدالی، سردار محیی و ضرغام‌السلطنه به‌دلیل توزیع نامناسب منابع به‌نفع سردار اسعد و تهدید جایگاه خود، چندان به اجرای قانون رضایت نداشتند. از این‌رو، هنگامی که ستارخان در پارک نبود، آنان همراه نیروهای خود به پارک پناه برداشتند و درنهایت نیز شرایط کشمکش را غیر قابل حل یافتند و بدون اطلاع سرداران ملی از پارک گریختند. سردار محیی به سفارت عثمانی و ضرغام‌السلطنه با همراهانی به حرم عبدالعظیم پناه برداشت. به بیان دیگر، آنان از عرف حقوقی موجود بهره برداشتند که به پناهندگان سفارتخانه‌ها و حرم‌های مذهبی امنیت می‌بخشید. بدین ترتیب، نه تنها سرداران ملی را درگیر این کشمکش کردند؛ بلکه آن‌ها را در میان جمعیتی هیجانی و قشونی بی‌نظم تنها گذاشتند.

حتی وقایعی رخ داد که این فرض را به وجود می‌آورد که شاید اساساً بخش بزرگی از وقایع پارک اتابک از دسیسه‌ای برخاسته است که عاملان آن، همان یاران و همپیمانان اعتدالی بودند؛ چنان‌که ستارخان بلافضله پس از جلسه ۲۸ مرجب برای خلع سلاح نیروهای خود اقدام کرد و سپس به دعوت خسروخان - که بهتازگی به مشروطه خواهان پیوسته بود - به مهرآباد رفت. در همان زمان، دسته‌های آن دو سردار اعتدالی در پارک اتابک جمع شدند؛ درحالی که اطرافیان ستارخان می‌کوشیدند وی درگیر این مسئله نشود. امیرخیزی روایت می‌کند: «آفای یکانی می‌گوید: بدربان و دیگران سفارش کردیم جای سردار را به مجاهدان آگاهی ندهند تا پی او نزوند» (622:2536). با این حال، شخصی بهنام خلیل خان بهنحوی از حضور وی در مهرآباد آگاه شد و ستارخان را بهواسطه روابط نزدیکش به پارک بازگرداند. همچنین، آنان زمانی از پارک گریختند که می‌توانستند به عنوان سران اصلی و تکیه‌گاه مجاهدین و بهعلت سابقه اعتماد و اطاعت‌پذیری، آنان را مدیریت کنند. باوجود این، آنان فقط به خود کمک کردند:

معزالسلطان و ضرغام‌السلطنه کار را سخت دیده هر دو برآن شدند که بگریزند و جان بهدربرند.  
معزالسلطان با مشهدی صادق‌نامی به شمیران شتافته در سفارت عثمانی بست نشست.  
ضرغام‌السلطنه با چند تی از تهران بیرون رفته به شاه عبدالعظیم پناه برد (کسری، 139: 2535).  
واقعه دیگری نیز رخ داد که رنگ دسیسه داشت. زمانی که مجاهدین با رضایت از نتایج مذاکرات نماینده سردار ملی، اسلحه‌های خود را پس می‌دادند، دو تن از کارکنان سفارت عثمانی بهنام جمیل‌بیک و جمال‌بیک سخنانی گفتند که مجاهدین را تهییج کرد و از پی‌گیری خلع سلاح بازداشت. این حادثه درست زمانی رخ داد که سردار محیی در سفارت عثمانی پناهنده شده بود. کسری به ارتباط سردار محیی و آن دو تبعه عثمانی اشاره کرده است: «دانسته نیست اینان را که به اینجا فرستاد و خود چه می‌خواستند. اگر بگوییم معزالسلطان ایشان را فرستاد باید یقین کنیم که معزالسلطان با دشمنان ستارخان همدست و به خون او تشنه بوده» (همان، 140).

به هر حال، این امر روشن نیست و نمی‌توان در این مورد قضاوت کرد. باوجود این، اگر فقط گریز نابجای سردار محیی و ضرغام‌السلطنه در نظر گرفته شود، این دو ائتلاف پیشین خود را با سرداران ملی به صورت یک‌جانبه با هدف خودیاری شکستند. در این شرایط بغرنج، چنین اقدامی هزینه سنگینی بر روحیه مجاهدین و ظرفیت کترل آنان وارد آورد؛ چنان‌که مجاهدین به کوچکترین بهانه بر می‌آشتفتند و برای تخاصم آمادگی داشتند. در جدول شماره هشت خصایص شیوه قدرت - بنیان این مرحله مورد توجه قرار گرفته و روشن شده است که آنان در نقطه ۰/۹ از

مجموعهٔ فازی مورد نظر، «عمدتاً اما نه کاملاً درون فرایندهای قدرت - بنیان و بهشت هزینه‌بر» عمل کرده‌اند.

**جدول 8** تخمین نمره‌های عضویت مجموعهٔ فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف بهشدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله سوم واکنش به کشمکش خلع

#### سلاح مجاهدین

حدود کترل	حدود هزینه	خاصیص فرایند قدرت محور به کار رفته	فرایندهای حل اختلاف	روش	تکمیل پذیری جهت بازیج معنی	آنکه
بالاتکلیفی و تنهایی سرداران ملی برای کترل مجاهدین	گریز از مسئولیت هدایت و مدیریت مجاهدین	کاربرد منابع و روابط در اختیار جهت حفظ خود و نیروهای خود	عمدتاً اما نه کاملاً درون فرایندهای قدرت - بنیان	شکست یک جانبه اختلاف با سرداران ملی / تصمیم‌گیری یک جانبه / خودیاری	0/9	3

#### 4-4. چهارمین واکنش به کشمکش (از سوی سردار و سalar ملی)

در این شرایط، سرداران ملی مستأصل شده بودند؛ اما به پیشنهاد اطرافیان خود، برای گریز از درگیری، مذاکره با دولت را انتخاب کردند. بدین منظور تصمیم گرفتند بر مبنای تقاضاهای مجاهدین مذاکره کنند:

سردار و سalar بدون درنگ چندنفر از [مجاهدین] را خواستند، فرمودند آقایان حرف حسابی شما چیست و از دولت چه می خواهید؟ پس از جزویحث زیاد درخواست ایشان دوچیز بود: یکی آنکه قیمتی برای حقوق عقب افتاده شان پردازند. [دیگری، اسلحه‌ها را با قیمت پیشتری معادوضه کنند] به سردار گفتم بفرمایید آقایان این دو تقاضای خود را نوشته به شما تسليم کنند (امیرخیزی، 2536: 629).

امیرخیزی به نمایندگی از سرداران ملی به عمارت گلستان رفت. در مذاکره، جز حقوق و منافع مجاهدین، از منافع سرداران ملی نیز سخن گفت. توافقات با این تأکیدات پیش رفت که سردار از این اقدام مجاهدین بی خبر بوده و درمورد مجاهدین نیز «حقیقتاً تقویم دولت عادلانه نبوده است» (همان، 631). براساس این، هیئت دولت نیز ضمانت کرد که حقوق معوقه آنان را تا پنجمشنبه کامل

تحلیل فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب ... زهرا توللی و همکار

ادا کند و اسلحه‌ها را با قیمت بالاتری تعویض کند. همچنین، توافق کردند که سواران سرداران ملی به عنوان سواران دولتی به شمار آیند (همان‌جا). در آغاز، مجاهدین نتیجه مذاکره را پذیرفتد؛ اما گویی مذاکره دیگر در چنان فضای هیجانزده‌ای اثر نمی‌کرد:

هنوز پنج و شش تفنگ تحویل گرفته نشده بود که ناگه در خارج هیاهویی بلند شد [...] شخصی که فینه در سر دارد مردم را به مخالفت بر می‌انگیزد و می‌گوید چرا دولت برای تفنگ‌های سه‌تیر قیمت معین نکرده، گیرم که تفنگ‌های سه‌تیر متعلق به دولت است، ولی شما زحمتی کشیدید و کشته دادید باید به آن‌ها قیمت معین کنند و مجاهدین هم یکباره فریاد برآوردن. صدای تیری هم بلند شد، میرزا غفارخان و مرآءالسلطان هر دو به گمان اینکه جنگ شروع شد بهزادی سوار درشکه شده، بیرون رفتند (همان، 632).

با اتمام مهلت وزارت جنگ نیز امیر خیزی فقط توانست مهلتی یک ساعت بگیرد؛ اما پس از آن، تمام راههای ارتباطی پارک بسته شد و جنگ میان نیروهای ایرانی در گرفت. بنابراین، این اقدام ستارخان و اطرافیان وی هر چند در چارچوب مذاکرة رسمی رخ داد، در آن شرایط حساس به درستی و به جا به کار نرفت؛ اما نه کاملاً بیرون از فرایند منفعت - بنیان بود و همچون مرحله پیشین در نقطه ۰/۹ مجموعه فازی مورد نظر قرار گرفت. در جدول شماره نه ابعاد این اقدام بازشکافی شده است.

#### جدول ۹ تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به شدت

هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله چهارم واکنش به

#### کشمکش خلع سلاح مجاهدین

حدود کنترل	حدود هزینه	حدود عدم رعایت خصایص فرایند	فرایندهای حل اختلاف	روش	پیشنهادهای همکار	نمره
امکان کنترل اندک بر نیروهای هر دو طرف	گذر مجاهدین از آستانه تحمل	پرداختن کامل به منافع و مسائل تمام گروههای مجاهدین	عمدتاً اما نه کاملاً بیرون از فرایند منفعت - بنیان	مذکورة منفعت - بنیان	۰/۹	4
	بهانه جدی برای یورش نیروهای دولتی	نبود انعطاف‌پذیری لازم در بستر هیجانی موجود (مثل تعریف گزینه‌ای برای اصلاح توافقات یا مهلت زمانی بیشتر)				

#### 4-5. آخرین واکنش طرفین

سرانجام، شرایط مناسب برای آغاز درگیری فراهم شد. از این پس نیروهای دولتی به دلیل واکنش‌های مجاهدین می‌توانستند اقدامات و هجوم خود را توجیه کنند؛ از این‌رو آنان دیگر به سرداران فرصت مذکوره ندادند و راههای ارتباطی را قطع کردند و درنهایت، جنگ آغاز شد (کسری، 143-144: 2535). جمعیت نیروهای دولتی و ادوات نظامی آنچنان زیاد بود که گویی مجاهدین بیگانگانی اشغالگر بودند. هریک از نویسندهای قشون دولتی را توصیف کرده‌اند:

بعداز ظهر اول شعبان قوای دولتی مرکب از 1000 نفر بختیاری به ریاست سردار بهادر، 500 نفر مجاهد ارمنی و مسلمان به فرماندهی پیرم‌خان و چند فوج که در تهران بودند با چند عزاده توب پارک اتابک را محاصره کردند و عمارت‌های اطراف را که به پارک مسلط بود سنگر نمودند و با توب و تفنگ و نارنجک به پارک اتابک حمله برداشتند (ملک‌زاده، 1371: 1351).

قوای دولتی اعم از سوار و پیاده و دسته پیرم‌خان بیش از دوهزار نفر بودند و برخی از مجاهدین نیز مانند [دسته] حیدرخان عمماوغلى و مرحوم حسن‌علی‌زاده و جمع دیگری نیز با قوای دولتی همکاری می‌کردند [...]. عده مجاهدین گویا کمتر از سیصد تن بود و شاید بیش از یکصد نفر هم مردم بازاری و متفرقه بسیار سلاح در میان مجاهدین بودند (امیرخیزی، 2536: 634).

سرداران ملی وارد جنگ نشدند. فقط ستارخان برای مدت کوتاهی اسلحه به دست گرفت و به طرز مشکوکی به وی سوء قصد شد:

خود سردار را عقیده بر این بود که مرا یکی از کسان خود من زد و اسم او را هم می‌گفت [...] دلیلش هم این بود که می‌گفت آنجا که من تیر خوردم محلی نبود که در معرض تیر واقع شود، در میان راهروی که یک روزنه هم نداشت تیری از خارج محال بود که بدانجا برسد (همان، 646).

این واقعه از ضعف کنترل در چنین موقعیتی برمی‌خاست. در واقع هرج و مر جنان بود که طرفین فقط به حد قدرت خود، بر کشمکش کنترل داشتند. در این شرایط، مجاهدین و مدافعان دیروز مملکت سرکوب شدند. سردار و سalar ملی و نیروهای ایشان به شدت آسیب دیدند.

درواقع، هرج و مرج پارک اتابک کاری کرد که روس‌ها و مستبدین نتوانستند مستقیماً به آن دست یابند. سردار ملی در پایتخت مشروطه ایران با گلوله‌ای از پای درآمد و پس از آن تا آخر عمر به سختی راه می‌رفت. بخشی از مجاهدین قفقازی نیز آسیب دیدند. این نتایج و هزینه‌ها با خواسته‌های دولتهای روس و انگلیس، به ویژه روس همخوانی داشت. از این‌رو، به‌طور موقت دخالت‌های آنان محدود شد؛ اما مگر استبداد آرام می‌گیرد؟ چنان‌که روس‌ها هر روز به بهانه‌ای بر ایران فشار می‌آورند و درنهایت، با اولتیماتوم مجلس منحل شد؛ این مسئله از ضعف نظامی دولت مشروطه بر می‌خاست؛ آنچه در پارک اتابک توسط خود ایرانیان روی داد و در آن شاید سهم بیگانه دربرابر خودی اندک بود.

در آن زمان نیز هزینه‌ها به مجاهدین و اعتدالیون محدود نشد؛ بلکه میان اکثریت مجلس اجتماعی برای تحديد قدرت مستوفی‌الممالک و سردار اسعد به وجود آمد؛ به‌حدی که در جریان انتخاب نایب‌السلطنه، اکثریت مجلس از نیابت مستوفی‌الممالک به عنوان شخص نزدیک سردار اسعد جلوگیری کردند. همچنین، وجههٔ یپرم‌خان نیز در میان مردم به شدت خسارت دید (کسری، 2535: 144). مجاهدین نیز که امتیازات و راه حل حداقلی مذاکرات ستارخان را نپذیرفتند، به فقر و فلاکت دچار شدند:

عده‌ای از مجاهدین با کمال تأسف به گدایی و تکدی افتادند و عده‌ای برای به‌دست آوردن نان به کارهای ناپسندیده دست زدند جماعتی که به تهران آمده بودند که اعیان و اشراف و شاهزادگان را از میان ببرند برای اینکه از گرسنگی نمیرد به خدمت همان طبقه درآمدند و با تحمل طعن و لعن آنان امرار معاش می‌کردند (ملک‌زاده، 1371: 1354).

پس از مدتی [...] جماعتی به ماجراجویی پرداختند و در گوشة محبس جان سپردند (همان، 1350).

به‌طور کلی، در کوتاه‌مدت نتیجهٔ برندهٔ بازنده به‌سود سردار اسعد و دموکرات‌ها حاصل شد؛ اما وقایع آتی نشان داد که تمام طرفین بازندهٔ میدان بودند. بنابراین، طرفین طبق جدول شماره ده کاملاً فرایند قدرت - بنیان و به شدت هزینه‌بری را اتخاذ کردند. پس، طرفین به تدریج از پنج نوع شیوه، شامل ۰/۶، ۰/۴، ۰/۹ و ۱ فرایند به شدت هزینه‌بر استفاده کردند.

**جدول ۱۰ تخمین نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف بهشدت هزینه‌بر» براساس بازشکافی ابعاد شیوه‌های حل اختلاف طرفین در مرحله پنجم واکنش به کشمکش خلخ سلاح مجاهدین**

حدود کنترل	حدود هزینه	۱۰۰٪ کاربرد تمام	۷۵٪ منابع قدرت	۵۰٪ کاربرد متعادل	۲۵٪ کاربرد محدود	۰٪ کاربرد ممنوع
فقدان کنترل قانونی بر نیروهای مجهر دولتی	هزینه‌های کوتاه‌مدت: - سرکوب و آسیب به ستارخان، نیروهای سرداران ملی، فقفازی و بخش‌هایی از دیگر دسته‌های مجاهدین - آوارگی و فقر مجاهدین - تخریب وجهه پیرم‌خان در میان مردم - اجماع مسئولان برای تحديد قدرت سردار اسد و مستوفی‌المالک	سرکوب	کاربرد تمام منابع قدرت	۰٪ کاربرد متعادل	۷۵٪ کاربرد محدود	۲۵٪ کاربرد ممنوع
تسلط هرج و مرج و فقدان مدیریت بر نیروهای ضعیف مجاهدین	هزینه‌های بلند‌مدت: - وابستگی دولت انقلابی به بزرگان و نیروهای پیتیاری به عنوان تنها گزینه برای بسیج قوای دفاعی - اجبار به انتصاب اشخاص ناشایست (در کابینه‌های بعدی) برای بسیج و تقویت قوای دفاعی کشور - فضا برای جولان دولتهای بیگانه و درنهایت نحلال مجلس و اشغال کشور توسط روس	سرکوب طرف مقابل	برای کاربرد تمام منابع قدرت	۷۵٪ کاربرد متعادل	۰٪ کاربرد محدود	۲۵٪ کاربرد ممنوع

## ۵. نتیجه

در مقاله حاضر بعد تصمیم‌گیری مشارکتی در مشروطیت ازلحاظ نوع کنش و روابط مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، پژوهش بر احزاب مجلس دوم متمرکز شد که حتی در نخستین گام تصمیم‌گیری یعنی «حل اختلاف» به سوی مذاکرات سازنده پیش نمی‌رفتد. از این‌رو، واقعه پارک اتابک به عنوان یکی از محوری‌ترین کشمکش‌های اولین تجربه تحزب در

ایران انتخاب شد. این واقعه در دورانی رخ داد که هرچند کشور در سطح کلان در اشغال بیگانه در شمال و آذربایجان و درگیر اغتشاشات خوانین بود، دولت مشروطه از حمایت مردمی برخوردار بود. در تبریز مردم دربرابر روس‌ها صبر پیشه کردند تا بهانه‌ای برای اشغال کامل شهر به آنان ندهند. در زنجان مردم به همراهی میرزا صالح‌خان توانستند شاهزاده بهمن‌میرزا را بیرون کنند. در این میان نیز دولت توانته بود آشوب‌های شاهسون‌ها و غارت‌گری‌های آستارا را سرکوب کند و بیش از پیش مردم را خشنود سازد (ملک‌زاده، 1371). در این شرایط، مردم ترجیح می‌دادند مسئله خلع سلاح با مذاکره و آرامش حل و فصل شود؛ چنان‌که بزرگان تهران برای این امر پیش‌قدم شدند؛ اما اعمال و تصمیمات ناجای مجریان قانون راه را بر آن‌ها سد کرد. بنابراین، این واقعه نمی‌توانست صرفاً حاصل فشارهای سطح کلان باشد؛ بلکه به‌نظر می‌رسد تصمیمات صاحب‌منصبان نقشی محوری در این واقعه داشته است. از این‌رو، پژوهش حاضر بر نوع کنش، روابط و تصمیمات طرفین اصلی متمرکز شد و این مسئله مطرح شد که چگونه و با چه ترکیبی طرفین در هر مرحله به منازعات موجود واکنش نشان دادند؛ به‌طوری که یک منازعه کلامی و قانونی به یک درگیری نظامی تبدیل شد. در جست‌وجوی پاسخ، در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری، منابع تاریخی مرتبط براساس مدل پلکان منافع / حقوق / قدرت فیشر و بنابر «روش تحلیل فازی» بازخوانی شد. پس از کدگذاری منابع تاریخی، نمره‌های عضویت مجموعه فازی «عاملان متکی بر شیوه‌های حل اختلاف به‌شدت‌هزینه‌بر» تخمین زده شد. همچنین، در هر مرحله روشن شد که از چه ترکیبی از فرایندهای حل اختلاف استفاده شده بود.

طرفین به تدریج از پنج نوع شیوه، شامل ۰/۶، ۰/۹، ۱ فرایند به‌شدت هزینه‌بر استفاده کردند. این مراحل فاجعه‌آمیز به‌واسطه چندین ضعف اساسی در تصمیم‌گیری به وجود آمد. در موارد مذاکره «فقدان نگاه کل گرایانه» و «نبود اطلاعات کامل» مانع از طرح راه‌حل‌های جای‌گزین و سازنده شد. از این‌رو، آنان به تمام ابعاد سیستم و مسئله پیش‌روی خود نپرداختند و کاستی‌ها و تهدیدها را در کنار ظرفیت‌های سودمند سیستم در نظر نگرفتند. برای مثال، مسئولان به‌سادگی می‌توانستند با فرض ظرفیت کشاورزی موجود، با چنین تدبیری مجاهدین را خلع سلاح کنند. به این شکل که آنان را در املاک نزدیک به تهران به کشاورزی یا دامداری بگمارند. مدتی نیز تا تسویه طلب آنان از دولت (برای حقوق معوقه و هزینه اسلحه‌ها) مالیاتی

اخذ نشود تا رضایت آنان جلب شود. در این حالت، آنان در چارچوب مشاغل دولتی منظم می‌شدند و امنیت پایتخت تأمین می‌شد. همچنین، چون آنان دیگر مجاهدینی علنی نبودند، احتمالاً فشار دولتهای بیگانه کاهش می‌یافت. درنهایت، در موارد لزوم نیز می‌توانستند مجاهدین را برای دفاع بسیج کنند تا مملکت بی‌دفاع نشود.

از سوی دیگر، نگاه کل گرایانه به هر مسئله هشدار می‌دهد که کوچکترین اغماض، ضعف یا تغییری در یک بعد می‌تواند به نحوی شاکله کلی جامعه را دگرگون کند و حتی به آن آسیبی جدی وارد سازد. در این مورد، مسئولان ضرورت نیروهای نظامی در یک دولت انقلابی را درنظر نگرفتند و به سرعت برای آن برنامه‌ریزی نکردند. در عمل، دولت را در کنار نیروهای نظامیه به یک نیرو، یعنی بختیاری‌ها وابسته کردند؛ قشونی که بیشتر صبغه قومیتی و ایلی بر اعمال آنان حاکم بود. همین امر باعث شد که چندی بعد در جریان تهدیدهای روس و غیاب سردار اسعد، مجلس مجبور شود برای جذب دوباره نیروهای بختیاری، صمصم‌السلطنه‌ای را به ریاست وزرایی انتخاب کند که شناخت خاصی از مشروطیت نداشت و به سبک ایلی حکومت را اداره می‌کرد.

به علاوه، آنان ظرفیت‌ها، نیازها و منویات معمول آدمی را در تصمیمات خود درنظر نمی‌گرفتند؛ چنان‌که انتظار داشتند سران دولتی و مجاهدین فقط برای منفعت ملی، اجرای دقیق قانون را بپذیرند؛ یعنی هم نیروهای دولتی از قدرت موقت خود سوءاستفاده نکنند و هم سران اعتدالی مجاهدین از جایگاه‌ها و قدرت مตکی بر اسلحه خود بگذرند. در حالی که اساساً در یک دولت انقلابی غیرایدئولوژیک که اشخاص به تازگی به قدرت دست یافته‌اند، نمی‌توان از افراد و نیروها انتظار داشت که از خصوصت پیشین، منفعت شخصی یا گروهی چشم‌پوشی کنند؛ چنان‌که هر دو طرف این تمایلات را در عمل نشان دادند. تقریباً فقط ستارخان به‌دلیل اعتقادات پیشین، بر سوگند خود پای‌بند بود. درواقع، توزیع ناموزون و متمنکر منابع فقط در فضای ایدئولوژیک فراگیر، منطقی است. در غیر این صورت، می‌تواند فضا را برای «سوءاستفاده» و «خودیاری» فراهم و تسهیل کند. چنین توزیع منابعی فقط در صورتی مناسب خواهد بود که بر اعمال و اذهان افراد یک نوع ایدئولوژی یا اعتقاد فراگیر به صورت درونی مسلط شود؛ به‌گونه‌ای که آنان را از چنین اعمالی بازدارد. البته، بنابر فرض خط‌پذیری آدمی، چنین نظمی چندان ایمن و موجه نخواهد بود.

از سوی دیگر، قوانین درقبال مجاهدین نیز بر مبنای معیار منسجم و منصفانه‌ای نبود و تصمیمات مسئولان بهدلیل «بود نگاه کل گرایانه و درک شرایط» اصلاً با شرایط زندگی و شایستگی‌های مجاهدین همخوانی نداشت. آنان انتظار ایثار و اطاعت از افرادی داشتند که نه تنها به احترام و عزت شایستهٔ فاتحان پایتخت استبداد دست نیافته بودند؛ بلکه حتی در تأمین نیازهای اولیهٔ خود نیز در اضطرار بودند. بدین ترتیب، آنان با تصمیم نابجای خود حق را ناحق کردند.

این فقدان نگاه کل گرایانه و درک شرایط در مذاکرات نمایندهٔ ستارخان نیز مشهود بود. آنان نه اطلاعات کاملی وارد مذاکره کردند و نه شرایط هیجانی مجاهدین و خصوصت‌جویی طرف مقابل را درنظر گرفتند. به همین ترتیب، نتوانستند تصمیمی انعطاف‌پذیر و خلاقانه بگیرند. از این‌رو، از همان ابتدا دست‌کم فرصتی برای تکمیل تفاوقات تعریف نکردند تا درصورت نارضایتی مجاهدین، مذاکرات در محیطی ایمن اصلاح شود.

از طرف دیگر، اقدام سردار محیی و ضرغام‌السلطنه در میانهٔ کشمکش، به توزیع ناموزون منابع و بی‌توجهی به ظرفیت‌های معمول افراد در دولت‌های نوپا و غیرایدئولوژیک مربوط می‌شد؛ اما به «اعتماد و ائتلاف نابجای سرداران ملی» نیز ربط داشت. اساساً سرداران ملی در بحران ترور سید عبداله بنابر اطلاعاتی محدود و شاید به‌واسطهٔ سابقهٔ نارضایتی از دموکرات‌ها با این سرداران ائتلاف کرده بودند. درحالی که آنان نه تنها از دیسیسه‌ها و شرایط خاص پایتخت سیاسی آگاهی کافی نداشتند؛ بلکه موقعیت متزلزل و ظرفیت‌های قدرت‌طلبانه آن سران نوپا را نیز درنظر نگرفتند. از این‌رو، در ائتلاف مذکور اعتبار سرداران ملی به نفع سرداران اعتدالی هزینه می‌شد. درنهایت که این هزینه نتوانست آنان را حفظ کند، آن دو ائتلاف مذکور را به نفع خود شکستند. درواقع، سرداران ملی اساساً قواعد اعتماد را درنظر نگرفتند. براساس این، خواسته یا دشمن مشترک به‌ویژه در شرایط بحرانی، نباید تنها ملاک ائتلاف باشد. به افراد و گروه‌ها باید بهاندازهٔ ظرفیت آنان و متناسب با کلیت شرایط، اهداف و منافع آنان اعتماد کرد. همچنین، حدود اعتماد بهاندازهٔ اطلاعات و دانش هر دو طرف از یکدیگر و از شرایط موجود بستگی دارد. بدین ترتیب، سرداران ملی بنابر اعتماد گسترشده و نابجای خود، بستری برای اعمال آسیب‌زای آن دو سردار اعتدالی فراهم کردند. درواقع، هرچند سرداران ملی به‌نسبت اخلاق و نیات نیکی داشتند، بهدلیل آگاهی ناکافی از شرایط و طرف‌های مقابل، اعتماد و ائتلافی کردند

که نه تنها به خود آنان، بلکه به کل مجاهدین و مملکت آسیبی جدی وارد کرد. درنهایت، تمام این اشتباه‌ها و تصمیم‌های متزلزل به هرج و مرج فزاینده‌ای متنه شد که جز با جنگی خونین الیام نمی‌یافت. این اشتباهات خواسته یا ناخواسته، زمینه را برای پیشبرد اهداف بیگانگان هموار کرد.

### قدرتانی

در اینجا باید از راهنمایی‌های موجز و مؤثر استاد راهنمای پایان‌نامه جناب آقای دکتر جهانگیری جهانگیری تشکر کنم. استادی که به دلیل طبع بلند خود حاضر نبودند با وجود راهنمایی‌های خویش از ایشان به عنوان نویسنده مقاله حاضر نام برده شود. همچنین از جناب آقای دکتر اسفندیار غفاری‌نسب و پروفسور چارلز راگین بواسطه‌ی راهنمایی‌های روش‌شناختی تشکر می‌کنم.

### پی‌نوشت‌ها

1. این مقاله براساس بخشی از موارد مطالعه موجود در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان **تحلیل علی فازی شیوه‌های حل اختلاف بین دو حزب دموکرات و اجتماعیون اعتدالیون در مجلس دوم شورای ملی در ایران (دفاع شده در مهر ۱۳۹۱)** به راهنمایی دکتر جهانگیری و به مشاوره غیررسمی دکتر شیپری) تدوین شده است. در اینجا باید از راهنمایی‌های مختصر، موجز و مؤثر استاد راهنمای پایان‌نامه، جناب آقای دکتر جهانگیر جهانگیری، تشکر کنم؛ استادی که به دلیل منش خاص خود حاضر نبودند با وجود راهنمایی‌های خویش از ایشان، به عنوان نویسنده مقاله حاضر نام برده شود. همچنین، از جناب آقای دکتر اسفندیار غفاری‌نسب و پروفسور چارلز راگین به دلیل راهنمایی‌های روش‌شناختی‌شان تشکر می‌کنم.
2. رجوع شود به سیف‌الله سیف‌الله، «رویکرد نوین بر نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران: تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی از موانع و زمینه‌های نهادینه شدن شورای اسلامی در ایران»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ش ۳۲-۳۳ (بهار ۱۳۸۳).
3. conflict resolution
4. Roger Fisher and William Ury
5. Christopher Moore
6. Bernard Mayer

7. interest-based
8. rights-based
9. power-based
10. diversity-oriented
11. Charles Ragin
12. configuration
13. holistic perspective
14. boolean algebra
15. set-theoretic analysis
16. crisp-sets
17. fuzzy sets
18. crossover point
19. calibration

20. «کدگذاری به معنای نام‌گذاری قطعات داده‌ها با بر جسبی است که همزمان هر بخشی از داده‌ها را مقوله‌بندی، خلاصه‌نویسی و تشریح می‌کند» (Charmaz, 2006: 44). در این حالت، پژوهشگر ربط هر قطعه از داده‌ها را به مقولات نظری و ابعادی از مفاهیم مورد نظر جست‌وجو می‌کند.

21. براساس ایمیل چارلز راگین در پاسخ به سوال پژوهشگر در 6 اگوست 2011.

22. چنین فرایند کلی می‌تواند از ترکیبی از فرایندهای مذکور به وجود آید. با این فرض که هرچه ماهیت و خصیصه‌های هر فرایند رعایت نشود، هزینه‌ها بیشتر و کنترل کمتر خواهد شد؛ چنان‌که حتی یک فرایند منفعت - بنیان در یک بستر نامتناسب می‌تواند به شدت و به سرعت کشمکش را به تخاصمی خونین و قدرت - بنیان سوق دهد.

23. mostly but not fully in
24. more or less in
25. alternative

## منابع

- اتحادیه، منصوره (1361). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران: نشر گستره.
- اسکاچپول، تدا (1388). بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی. ترجمه سید‌هاشم آقا‌جری. تهران: نشر مرکز.
- امیرخیزی، اسماعیل (2536). قیام آذربایجان و ستارخان. چ2. تهران: امیرکبیر.

- تبریزنا، حسین (1371). علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران. تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
- سالمی قمصی، مرتضی (1386). «موانع فرهنگی تحزب در ایران (در دوره اول تحزب 1288-1304 هش)». *فصلنامه علوم اجتماعی*. ش 37. صص 39-71.
- کسری، احمد (2535). *تاریخ هجدۀ ساله آذربایجان*. تهران: امیرکبیر.
- لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- مروارید، یونس (1377). از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت. ج 1. تهران: اوحدی.
- ملک‌زاده، مهدی (1371). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. ج 3 و 6. تهران: علمی.
- Burgess, H. & G.M. Burgess (1997). *Encyclopedia of Conflict Resolution*.

Santa Barbara: ABC-CLIO.

- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Furlong, G.T. (2005). *The Conflict Resolution Toolbox: Models & Maps for Analyzing, Diagnosing and Resolving Conflict*. Ontario: John Wiley & Sons.
- Jackson, S.T. (2008). *Military Spending and the Washington Consensus: The Unrecognized Link between Militarization and the Global Political Economy*. A Dissertation Submitted to University of Arizona in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, The University of Arizona, Graduate College.
- Miall, H., O. Ramsbotham & T. Woodhouse (2005). *Contemporary Conflict Resolution*. 2<sup>nd</sup> Ed. Kornwall: Polity Press.
- Ragin, Ch.C. (2000). *Fuzzy-set Social Science*. Chicago: University of Chicago Press.

- (2008). *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy sets and beyond*. Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, Ch.C. & C. Rubinson (2011). "Comparative Methods". *International Encyclopedia of Political Science*. London: SAGE Publications Inc.
- Rihoux, B. & Ch.C. Ragin (2009). *Configurational Comparative Methods. Qualitative Comparative Analysis (QCA) and Related Techniques*. California: Sage publication.
- Sayer, A. (2005). *The Moral Significance of Class*. Cambridge: Cambridge University Pr.